حمله چماق‌به‌دستان شرور به رستوران

چماق‌به‌دستان شرور که به رستورانی در سرخرود محمودآباد حمله کرده بودند، شناسایی و تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دیروز فیلمی از حمله افراد شـــرور به یک رســـتوران در فضای مجازی منتشـــر و با واکنش‌های کاربران روبه‌رو شـــد. در ادامه تیمی از ماموران پلیس بررسی‌ها درباره این فیلم را آغاز کرده و متوجه شدند ماجرا مربوط به یک رستوران در سرخرود محمودآباد است.

با حضور ماموران پلیس در این رســـتوران، تحقیقات اولیه و بازبینی دوربین‌های محل حادثه حاکی از این بود که مهاجمان پس از خروج از رستوران و تخریب آنجا با سلاح سرد، به چند دستگاه خودروی مشتریان رســـتوران که در آن محل پارک بودند نیز آســـیب وارد کرده‌اند. علت این درگیری اختلاف شخصی میان آنها بود. عامل اصلی حمله به خودروها و رستوران شناسایی و همراه همدستانش تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

آژیر قرمز

رئیس پلیس آگاهی تهران در گفت‌وگو با جام جم هشدار داد

افزایش جرم اولی‌ها

سرقت پراید، ۶۱ درصد سرقت‌های خودروی تهران را تشکیل می‌دهد

محمد غمخوار
دبیر گروه حوادث

از آن نوع فرماندهانی است که پشت چهره جدی‌اش، قلبی مهربان دارد. هربار بچه‌ای در پایتخت ناپدید شده، خواب و خوراک را بر خود و همکارانش حرام می‌کند تا زودتر پدر و مادری از نگرانی بیرون بیایند. ماجرای ناپدید شدن زهرای دو ساله در قلعه‌نو هنوز مهم‌ترین دغدغه‌اش است و می‌گوید: از هر راهی برای رسیدن به این کودک استفاده و سناریوهای مختلفی را طراحی کردیم. در کنار این مهربانی، جدیتی در برخورد با مجرمان دارد و برهم زدن امنیت شهروندان را خط قرمز می‌داند. سردار علیرضا لطفی، ۲۳ ماه است سکاندار پلیس آگاهی تهران بزرگ شده و در این مدت توانسته آمار کشفیات پلیس را کاهش دهد. این هفته مهمان «آژیر قرمز» شد تا وضعیت وقوع جرایم و کشف آن را در پایتخت تشریح کند.

وضعیت امنیت تهران را چطور می‌بینید؟

مولفه‌های مختلفی در این‌باره مطرح است و ما با توجه به وقوع جرایم آن را در نظر می‌گیریم که وضعیت را در این رابطه خوب می‌بینم.

چه نمره‌ای از ۲۰ به آن می‌دهید؟

.۱۶

پس چرا احساس امنیت کمتر است؟

شاید کم‌کاری پلیس و رسانه در اطلاع‌رسانی کشفیات باشد. مردم در جریان اقدامات پلیس در حوزه کشف و برخورد قرار نمی‌گیرند.

الان با لباس شخصی و بدون استرس در هر ساعت شبانه‌روز در خیابان‌های تهران قدم می‌زنید؟

بله. امنیت در حدی است که ترسی ندارم. تهران یکی از جاهایی است که در حوزه جرایم خشن کمتر در آن مشکل داریم. این را بر اساس آمار می‌گویم.

پس چرا صحنه‌های موبایل‌قاپی در شهر زیاد شده؟

۹۵ درصد موضوعات قاپیدن، موبایل‌قاپی است. در سه ماهه امسال آمار وقوع ما بیش از ۵ درصد کاهش داشته و کشفیات هم نسبت به سال قبل افزایش داشته است، اما به خاطر انعکاسی که صحنه‌های موبایل‌قاپی در سطح شهر دارد، این احساس به وجود می‌آید که زیاد شده است.

کرونا روی جرایم هم تاثیر گذاشته؟

در برخی مولفه‌ها به لحاظ اقتصادی تاثیر گذاشته و افزایش پیدا کرده و برخی سرقت‌ها مثل سرقت از منزل به لحاظ اقدامات پلیس و حضور مردم در خانه‌هایشان کاهش محسوسی داشته است.

وضعیت سرقت مسلحانه در پایتخت چطور است؟

امسال جرایم خشن ۲۲ درصد کاهش پیدا کرده و در سه ماهه نخست سرقت‌های مهم مثل بانک و طلافروشی نداشتیم.

کدام خودروها در تهران بیشتر سرقت می‌شود؟

۶۱ درصد خودروهایی که در تهران سرقت می‌شود پراید است.

میانگین زمان سرقت خودرو چقدر است؟

با توجه به سارق و نکات امنیتی متفاوت است. از چند ثانیه تا چند دقیقه.

زمان سرقت به کشف چقدر است؟

۸۶/۹ درصد سرقت‌های خودرو در تهران کشف و ۶۰ درصد خودروها در یک هفته اول پیدا می‌شود.

از مجرمان حرفه‌ای برای نشان دادن ضعف خودروها به شرکت‌های خودروساز استفاده می‌کنید؟

هدفمند این کار را انجام می‌دهیم تا با ضعف‌های خودروهایی که می‌سازند، آشنا شوند.

کارخانه‌ها با شما همکاری می‌کنند؟

در حد مطلوب نه.

بهشت سارقان تهران کجاست؟

پیش از این نقاط آلوده‌ای داشتیم اما حالا با اجرای طرح‌های پلیسی بهشت دزدان جمع شده است.

چند درصد مجرمان سابقه دارند؟

۴۹ درصد سابقه‌دار هستند که این آمار پیش از این ۵۵ درصد بود. سارقان بار اولی زیاد شده است.

سن مجرمان هم کاهش داشته؟

نه تغییری نداشته است.

چند درصد سارقان غیربومی تهران هستند؟

این موضوع از مشکلات جدی تهران است. بیش از ۴۰ درصد سارقان دستگیرشده از شهرهای دیگر برای سرقت به تهران آمده‌اند.

درست است، ماموران پلیس آگاهی سارقان هر محله را می‌شناسند و دیرتر سراغشان می‌روند تا حق‌الکشف بیشتر شود؟

ما موضوعی تحت عنوان حق‌الکشف نداریم و روزانه آمارهای سرقت را رصد کرده و افسران مرتبط مورد بازخواست قرار می‌گیرند و سرعت در کشف از مطالبات جدی است.

ماموران در تعقیب و گریز چه زمانی دست به اسلحه می‌شوند؟

افسران ما مرتب آموزش تیراندازی می‌بینند. هنر افسر این است که بدون تیراندازی متهم را دستگیر کند. تیراندازی تبعاتی داشته و امکان دارد به سارق لطمه بزند یا کمانه کرده و به عابری برخورد کند. روزانه با توجه به شرایط تیراندازی‌هایی داریم؛ البته با رعایت قانون.

درست است که سارقان منزل طلایاب دارند؟

تا به حال سرقتی نداشتیم که دزدان در آن از طلایاب استفاده کرده باشند. این دزدان یک سری اصول روان‌شناسی را بلدند و می‌دانند خانم‌ها کجا طلا می‌گذارند و آقایان اسناد و پول را کجا مخفی می‌کنند. بارها گفته‌ایم خانه محل مناسبی برای نگهداری پول و طلا نیست اما به خاطر بی‌توجهی به هشدارهای پلیس امسال در برخی پرونده‌ها شاهد سرقت‌های میلیاردی از خانه‌ها بوده‌ایم.

قتل‌های تهران افزایش پیدا کرده؟

در سه ماهه نخست امسال ۳ درصد نسبت به سال قبل کاهش پیدا کرده است.

وضعیت کشف قتل‌ها چطور است؟

بیش از ۹۵ درصد قتل‌ها در سه ماهه نخست امسال کشف شده است.

مهم‌ترین انگیزه قتل‌ها؟

موضوعات مالی و بعد از آن هم اختلافات خانوادگی است. قتل‌های با انگیزه نزاع هم کاهش پیدا کرده است.

پرونده مهم کشف نشده در تهران دارید؟

دو سه موردی هست که درگیرش هستیم. البته مربوط به سال‌های قبل است.

پرونده زهرای ۲/۵ ساله دختربچه گمشده در جنوب تهران به کجا رسید؟

این هم یکی از همین پرونده‌هاست.

یکی از موضوعات حاشیه‌ای، حضور آقای نجفی بعد از قتل همسرش در اتاق شما بود که با واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه شد. اگر متهم دیگری هم درخواست کند شما را ببیند این اجازه را به او می‌دادید؟

متناسب با شرایط و اهمیت پرونده گاهی خودم به ادارات می‌روم و با متهمان صحبت می‌کنم یا می‌گویم متهم را به اتاقم بیاورند.

بازرسی نامحسوس از پایگاه‌های پلیس آگاهی هم دارید؟

جزو کارهای جاری است اما همکارانم حرفه‌ای هستند و مرا سریع می‌شناسند و بازرسی محسوس می‌شود.

> ۸۶/۹ درصد سرقت‌های خودرو در تهران کشف و ۶۰ درصد خودروها در یک هفته اول پیدا می‌شوند. با توجه به سارق خودرو و نکات امنیتی زمان ارتکاب جرم از چند ثانیه تا چند دقیقه طول می‌کشد

قربانی جرم شده‌اید؟

خوشبختانه یا متاسفانه تا امروز نه. ما فرمانده‌ای داشتیم که همیشه می‌گفت؛ ان‌شاا... خودتان قربانی شوید تا بهتر موضوع را درک کرده و سخت‌تر برخورد کنید.

با توجه به حجم مطالبی که از شما در رسانه‌ها چاپ می‌شود، به نظر می‌رسد به نوشتن یادداشت علاقه دارید؟

بله. تلاش می‌کنم در این یادداشت‌ها موضوعات پیشگیری را به شهروندان آموزش دهم.

با متهمان پرونده‌ها در بیرون پلیس آگاهی روبه‌رو شده‌اید؟

خیلی پیش آمده. بعضی گله کردند، برخی خندیدند و گروهی هم تشکر کردند. همه جوره داشتیم. گاهی هم پیشنهادهایی مطرح می‌کنند.

عشق فیلم پلیسی هستید؟

بیشتر سریال‌های تلویزیونی را در وقت آزاد دنبال می‌کنم. کمتر وقت می‌کنم فیلم‌سینمایی ببینم، اغلب وقت آزادم در حال مطالعه هستم.

تلخ‌ترین خاطره کاری؟

قتلی که اواخر سال گذشته رخ داد و دزدان به بهانه ابتلای مرد طلافروش به کرونا او را ربودند و در جنوب تهران برای سرقت طلاهایش کشتند این جنایت از خاطرات تلخ کاری‌ام بود.

شیرین‌ترین خاطره کاری؟

یکی از پرونده‌هایی که در پلیس آگاهی با حساسیت پیگیری می‌شود مربوط به شکایت درباره ناپدید شدن افراد است. وقتی گمشده‌ای پیدا می‌شود یکی از اتفاقات شیرین کاری‌ام است.

جنایت، پایان عشق اینستاگرامی

مرد چوپان که به اتهام قتل دوست اینستاگرامی‌اش، بازداشت شده بود، پس از ۲۲ روز سکوت به جنایت اعتراف کرد. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، شامگاه سی و یکم اردیبهشت امسال زن ۲۳ ساله که ساکن طبقه سوم ساختمانی در محله تهرانپارس بود، با ضربه چاقو به قتل رسید و مرد ۲۳ ساله که با او در ارتباط بود در این پرونده تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و شامگاه دوم تیر امسال در خانه‌ای روستایی در شهرکرد بازداشت شد. او ابتدا منکر قتل بود، اما بعد از ۲۲ روز سکوت، روز گذشته نزد ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و به قتل آن زن اعتراف کرد. متهم به قتل گفت، چون مقتول او را به گروگان گرفته و اجازه ترک خانه را به او نمی‌داده، با هم درگیر شده و وی را ناخواسته به قتل رسانده است.

مرا گروگان گرفته بود

محمد ۲۳ ساله نیم‌نگاهی به اطرافش می‌اندازد، درحالی که روی صندلی خودش را جابه‌جا می‌کند، بغض فروخورده‌اش می‌شکند و هق‌هق گریه امانش نمی‌دهد. با انگشتانش بازی می‌کند و زیرلب می‌گوید، «قاتل شدم، این گناه عشق ممنوعه‌ام است.» این بخشی از گفته‌های اوست که عشق اینستاگرامی‌اش را به قتل رسانده است.

چه کاره‌ای؟

در روستا چوپانی می‌کردم و شبی که جنایت رخ داد تازه اولین روز کاری‌ام در تهران به عنوان کارگر برقکار در ساختمانی نیمه‌کاره بود.

مقتول را می‌شناختی؟

سه ماه پیش در اینستاگرام با هم دوست شدیم، برای استوری‌اش کامنت گذاشتم و برایم قلب فرستاد. ارتباط‌مان شکل گرفت و فهمیدم جداشده و دختری هشت ساله و کرولال دارد. به او علاقه‌مند شده و می‌خواستیم ازدواج کنیم، خانواده‌ام هم از طریق واتس‌آپ با او حرف می‌زدند.

با هم اختلاف داشتید؟

این اواخر محبتش به من کم شده بود و با افراد غریبه زیاد خوش و بش می‌کرد و من از این رفتار خوشم نمی‌آمد. شب آخر هم خانه‌اش بودم، برای خرید بیرون رفتیم که او با مرد فروشنده و مشتری‌های داخل مغازه مدام خوش و بش می‌کرد. من ناراحت شدم و سر این موضوع دعوایمان شد. وقتی به خانه برگشتیم، گفت جرات نداری از من جدا شوی و من هم گفتم دیگر با تو ازدواج نمی‌کنم. او شیشه و الکل مصرف می‌کرد و حاضر به ترک آنها نبود. کیف لباس‌هایم را برداشته و خواستم بروم که در را قفل کرد. مرا به گروگان گرفت و اجازه خروج به من نداد.

چطور او را کشتی؟

با هم درگیر شدیم و دعوای‌مان بالا گرفت. او مرا گروگان گرفته بود و رها نمی‌کرد. پیش از این یک بار قصد قتل دخترش را داشت که من نجاتش دادم و می‌ترسیدم بعد از گروگانگیری تصمیم بگیرد مرا هم بکشد. زن مورد علاقه‌ام چاقو را از کیفش بیرون آورد و به سمت من گرفت، با هم درگیر شدیم. چاقو را گرفتم تا مرا به قتل نرساند که ناخواسته با چاقو به شکم وی زدم و زخمی شد. من ترسیده بودم و فرار کردم.

به دلیل وزن بالای زن جوان، پزشکان نتوانستند او را در سردخانه قرار دهند

دردسرهای دفن زن ۳۵۰ کیلویی

لیلا حسین‌زاده
حوادث

پس از داریوش بایمانی که لقب چاق‌ترین مرد ایران را با وزن ۳۴۰ کیلو یدک می‌کشید و بعد از عمل جراحی بای پس معده فوت شد، این بار نوبت لیلا شجاعی ساکن روستای کوخان شهر بانه بود که با وزن ۳۵۰ کیلو، نامش به عنوان یکی از چاق‌ترین زنان ایرانی مطرح شود. البته عمر او هم به دنیا باقی نبود و چند روز پیش با وجود تلاش‌های عوامل اورژانس جان خود را از دست داد.

به گزارش خبرنگار جام جم، لیلا دومین همسر سعید ۶۲ ساله بود اولین همسرش فوت کرد و بعد با لیلا ازدواج کرد. ۹ سال از زندگی زناشویی‌شان می‌گذشت که پیرمرد برای بار دوم همسرش را از دست داد. او در گفت‌وگو با جام جم در مورد همسرش لیلا گفت: «یک روز که به بازار بوکان رفته بودم، او را دیدم که مشغول دستفروشی بود. خودم گدا هستم و از این راه اموراتم را می‌گذرانم. از او خوشم آمد و پیشنهاد ازدواج دادم. پدر و مادر لیلا فوت شده بودند، اما با اطلاع خواهر و برادرش با او ازدواج کردم و بعد او را به روستای محل زندگی‌ام در کوخان بانه بردم. لیلا به خاطر چاقی و وزن بالایی که داشت، نه می‌توانست غذا درست کند و نه به من و خانه رسیدگی می‌کرد. برای همین هر هفته دو بار خواهرم به خانه‌ام می‌آمد و کمبودهای زندگی‌ام را برطرف می‌کرد. لیلا حتی نمی‌توانست به دستشویی برود یا حمام کند. برای همین وقتی در خانه بودم، به او کمک می‌کردم تا نیازهایش را رفع کند.»

روز حادثه، حال لیلا بد شده بود و احساس سرگیجه می‌کرد. همسرش که متوجه شرایط او شده بود، با اورژانس تماس گرفت: «آمبولانس که آمد، هیچکس نمی‌توانست لیلا را بلند کند و داخل آمبولانس بگذارد، از بس که چاق و بزرگ بود، حتی داخل آمبولانس هم جا نمی‌شد. خیلی تلاش کردند او را زنده نگه دارند، اما نشد و فوت کرد. بعد از مرگ او، با خواهر و برادر خودم و لیلا تماس گرفتم اما کسی نیامد. برای همین، شهرداری خودش لیلا را کفن و دفن کرد. من لیلا را خیلی دوست داشتم. با این‌که به خاطر چاقی، در خانه کار نمی‌کرد، اما از مرام مردانگی به دور بود که او را طلاق دهم و برای همین تا آخرین لحظه کنارش بودم.»

کفن و دفن بیمار با کمک شهرداری بانه

دکتر محمد شاه‌ویسی، مدیر شبکه بهداشت و درمان شهر بانه درباره این خبر به جام جم گفت: «بیمار، خانمی بود که ۱۰ سال زمینگیر بود و سابقه ناراحتی‌های مزمن قلبی، تنفسی و هایپرلیپیدیمی شدید داشت. این اولین باری نبود که برای رسیدگی به بیمار با اورژانس تماس می‌گرفتند و رسیدگی به وضعیت او سابقه داشت. این بار نیز به علت تنگی‌نفس و درد سینه تماس گرفته بودند که البته طبق اعلام و معاینات پزشک بیمار علائم کرونایی نداشت. دو روز قبل ساعت ۱۱ و ۴۸ دقیقه با پایگاه ۱۱۵ منطقه کانی سور تماس گرفته شد و ساعت ۱۲ و ۱ دقیقه همکاران به روستای کوخان در بانه اعزام شدند. در محل، همکاران و اطرافیان موفق نشدند بیمار را به دلیل وزن بسیار بالا و ابعادی که داشت، به آمبولانس انتقال دهند. پس از مدتی، حال بیمار نامساعد شد و همکاران عملیات احیاء را آغاز کردند که ۴۰ دقیقه طول کشید، اما متاسفانه موفقیت‌آمیز نبود و بیمار ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه فوت شد. پس از فوت، همکاران، او را با آمبولانس آتش‌نشانی به سردخانه بیمارستان صلاح‌الدین ایوبی شهر بانه منتقل کردند، اما به‌دلیل ابعاد بیمار، از در سردخانه رد نشد. به همین دلیل، در همان آمبولانس هماهنگی‌های لازم با پزشکی قانونی و دادگاه انجام شد تا پزشکی قانونی در همان آمبولانس او را معاینه کنند. پزشکی قانونی نیز پس از معاینه فرد فوت شده و تنظیم صورت جلسه‌های آگاهی و به دستور دادگاه، گواهی فوت را صادر کرد و توسط شهرداری بانه و با هزینه این سازمان به خاک سپرده شد.»

تلنگر

قتل رفیق به خاطر ارتباط شیطانی

مرد جوان که انگیزه خود را از قتل فجیع دوستش، ارتباط پنهانی او با یک زن عنوان کرده بود، با پرداخت وجه‌المصالحه موفق به جلب رضایت اولیای دم شد و به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه رفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو سال قبل و پس از کشف جسد مرد جوانی به نام علی در یک باغ، تحقیقات برای یافتن ردی از عامل جنایت آغاز و مشخص شد علی کارگر یکی از باغ‌های اطراف است که آخرین تماس او با نگهبان همان باغ در حال ساخت‌وساز بوده است. نگهبان باغ به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد و پرده از راز جنایت خود برداشت. با اعتراف متهم به نام خلیل، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد، اما قبل از رسیدن موعد دادگاه خلیل با پرداخت وجه‌المصالحه موفق به جلب رضایت اولیای دم شد و روز گذشته متهم به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه رفت.

او در دفاع از خود گفت: «یک روز علی به من گفت با زن یکی از دوستانش ارتباط پنهانی دارد و من او را نصیحت کردم که از این رابطه دست بردارد. با خودم فکر کردم چند بار خانواده‌ام را به علی سپرده بودم و ممکن است او به خانواده من هم نظر بد داشته باشد برای همین عصبانی و با او درگیر شدم و با دستانم خفه‌اش کردم و بعد چند ضربه چاقو به او زدم.»

متهم در پایان درخواست تخفیف در مجازات کرد و قضات دادگاه برای صدور رای وارد شور شدند.

ادامه عملیات برای یافتن ردی از سها

با گذشت پنج روز از ناپدید شدن مرموز دختر جوان که برای سفر به جنگل‌های جهان‌نمای گرگان رفته بود، هنوز خبری از سرنوشت او در دست نیست و تلاش هلال احمر برای یافتن ردی از او ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۱ ظهر روز جمعه، مدیر یک تور گم‌شدن یکی از مسافران تور را در منطقه جنگلی جهان نمای کردکوی گرگان به هلال احمر اعلام کرد و از ساعتی بعد تلاش نیروهای جست‌وجو برای یافتن ردی از دختر جوان ۲۷ ساله به نام سها آغاز شد.

عده‌ای از مسافران به ماموران پلیس گفته بودند که ساعت حدود ۸ صبح برای استفاده از سرویس بهداشتی و مسواک زدن از محل اتراق مسافران دور شد اما دیگر بازنگشت.

نیروهای امداد و نجات منطقه را با استفاده از تجهیزات هلی‌شات و پهپاد و سگ‌های زنده‌یاب جست‌وجو کردند اما هنوز ردی از دختر جوان پیدا نشده است.

روز گذشته میرکریمی، معاون امداد و نجات هلال احمر گلستان در مورد آخرین وضعیت تلاش برای پیدا شدن دختر جوان گفت: «تیم صخره‌نوردی و کوهنوردی همچنان در حال جست‌وجو در محل هستند. صخره‌هایی که در پرتگاه‌های منطقه واقع شده‌اند، خیلی طولانی و پهناور هستند.»

کوتاه از حوادث

پدربزرگ فداکار برای نجات نوه خود به آب زد اما هر دو غرق شدند. مرد میانسال و سه نوه‌اش در پالیزار کنار سد خاکی حاجی‌آباد شهرستان سربیشه بیرجند، مشغول کشاورزی بودند که یکی از کودکان با افتادن کفشش در بند خاکی، گرفتار آب شد. پدربزرگ برای نجات جان او به آب زد و دو دختر دیگر برای کمک‌خواهی از مردم به نزدیک‌ترین روستا رفتند که دو کیلومتر تا محل حادثه فاصله داشت و همین بعد مسافت باعث شد تا رسیدن نیروهای امدادی به محل حادثه زمان زیادی صرف شود و جان پدربزرگ و نوه از دست برود.

دختر جوان با ضربه جسم سخت از سوی پدرش به کما رفت. مرد معتاد اهل کوهدشت خرم‌آباد، بعد از اینکه با جسمی سخت به سر دختر ۲۰ ساله خود کوبید، قصد داشت همسر خود را هم در خواب با طناب خفه کند اما همسرش از خواب بیدار شد و از دست او فرار کرد. این مرد سپس اقدام به خوردن قرص برنج کرد و قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داد. دختر ۲۰ ساله مرد کوهدشتی هم تحویل اورژانس شد و این در حالی است که سطح هوشیاری او ۵ بوده و در حالت کما قرار دارد.